

یادداشت
<div>وضع قوانین حمایتی از مادران متضمن افزایش سطح باروری</div>
<div>دکتر محمدجلال عباسی‌شوزای <div>استاد دانشگاه</div></div>

● از آنجایی که فرزندآوری از وظایف و نیز از عوامل مهم ایجاد آرامش روانی، نشاط‌افزایی در خانواده و عامل استحکام آن است، بررسی شرایط باروری و فرزندآوری یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاران اجتماعی کشور محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد تمایل به فرزندآوری در زوج‌های جوان کمتر از گذشته است. با افزایش فاصله میان ازدواج و اولین بارداری و نیز تغییرات سبک زندگی در ابعاد مختلف، خانواده‌ها به طور متوسط از داشتن دو تا سه فرزند استقبال می‌کنند. آیا این مسئله می‌تواند موجبات نگرانی را برای آینده کشور فراهم آورد؟ تمایل‌ناداشتن خانواده‌ها برای تعدد فرزند بیانگر چه تغییراتی در جامعه می‌تواند باشد؟ برای تبیین مسئله فرزندآوری و تحلیل الگوی باروری در جامعه امروز، اول باید به جوانان و زوج‌های جوان به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جمعیتی نگریست که می‌توانند در زمینه‌های مختلف به کشور خدمت و زمینه‌های رشد و بالندگی کشور را فراهم کنند. نگاه به جوانان، و زوجین جوان به‌عنوان دریچه باروری و فرزندآوری، تقلیل پتانسیل‌های مختلفی است که جوانان دارند. دوم، درباره باروری و فرزندآوری نباید فرض کرد که جوانان فرزند نمی‌خواهند و سپس به دنبال آن بود که چگونه آنان را به فرزندآوری تشویق کنیم. نتایج تحقیقات نشان داده است که جوانان و زوجین و زنان به‌طور متوسط پیش از دو فرزند را تعداد ایده‌آل فرزند می‌دانند. بنابراین، بهتر است بررسی کرد که تعداد فرزند ایده‌آل آنان چند است و سپس دلایل تفاوت تعداد فرزندان ایده‌آل و واقعی آنان را جست‌وجو کرد. سوم، با روشن‌شدن دلایل تحقق‌نیافتن تعداد فرزندان ایده‌آل، باید سعی کرد حمایت‌هایی برای تحقق فرزندآوری ایده‌آل جوانان را فراهم کرد.

تأثیر مشکلات اقتصادی را نمی‌توان در فرزندآوری نادیده شمرد. فرزندآوری برای جوانان با هزینه‌های مستقیم و هزینه‌های غیرمستقیم همراه است. هزینه‌هایی از جمله خوراک و پوشاک، تحصیلات و بهداشت، اوقات فراغت و … بخشی از هزینه‌های فرزندآوری هستند و هزینه‌های فرصت از‌دست‌رفته برای والدین نیز از هزینه‌های غیرمستقیم فرزندآوری است. علاوه‌برآن، هزینه‌های روحی و روانی و جسمانی والدین برای فرزندآوری را باید افزود. توجه والدین به آسیب‌های اجتماعی و تلاش برای پرهیز از این آسیب‌ها از طریق تأخیر در ازدواج و کاهش فرزندآوری از مکانیسم‌های رفتاری زنان در دوران جنین است. در کنار این عوامل، باید آمال و آرزوها و برنامه‌های خودشکوفایی را که زنان برای خود دارند، نیز افزود. درمقابل، ارزش‌هایی مثبت فرزندآوری در بین زوجین وجود دارد. توجه به فرزند به‌مثابه استحکام خانواده، ارزش والدین‌شدن، باقی‌ماندن لذت‌های ناشی از موفقیت فرزندان و نیز تکمیل جنس فرزند از جمله پاداش‌هایی است که زوجین با فرزندآوری به دست می‌آورند.

بنابراین، به پدیده فرزندآوری نمی‌توان تک‌عاملی نگریست و باید به همه ابعاد آن توجه کرد. چنانچه تعادلی بین ارزش‌های مثبت و منفی فرزندآوری وجود داشته باشد، تحقق ایده‌آل‌های باروری امکان‌پذیر است. نهایتاً اینکه، هزینه‌های فرزندآوری در طول زندگی یکسان نیست.

ادامه در صفحه ۱۷

ما ۱۱۰ سال است که با انقلاب مشروطیت فاز صفر استقرار دولت مدرن و ورود جامعه‌مان به دنیای مدرن را کلید زده‌ایم، اما همچنان دولت در ایران - قبل و بعد از انقلاب اسلامی- تا تحقق دولت مدرن فاصله‌ها دارد و جامعه‌مان هنوز در سردرگمی دوره گذار به‌سر می‌برد. ما گام‌هایی به پیش رفته‌ایم، اما همچنان تا نقطه مطلوب فاصله‌ها داریم. نه دولت ما اکنون رنگ غالبش رنگ دولت مدرن است و نه جامعه ما خوی غالبش خوی جامعه مدرن.

و متأسفانه در همین دوره‌ای که هنوز نمی‌دانسته‌ایم می‌خواهیم که با چه باشیم، به خطا دست به برنامه‌ریزی توسعه نیز زده‌ایم؛ خطا از آن بابت که اگر هیچ‌کاری نمی‌کردیم هم احتمالاً همین مسیر را می‌رفتیم؛ اما در این فاصله ما به اسم برنامه‌ریزی توسعه، تقریباً بخش اعظم منابع طبیعی خویش شامل معادن، نفت، آب و جنگل‌های خود را تخلیه، تبخیر و دود کرده‌ایم؛ اما همچنان در دوره پیشاتوسعه فرومانده‌ایم. در یک کلام: ما هنوز در فاز صفر توسعه‌ایم درحالی‌که منابعمان رو به پایان است. همه مسیرهایی را که گمان می‌کردیم ما را به توسعه برسانند، آزمودیم، راه‌ها و جاده‌های کشور را توسعه دادیم، خط‌آهن کشیدیم، برق آوردیم، سدهای فراوانی زدیم، آموزش مدرن آوردیم، دانشگاه را تا روستاها بردیم، صنعت مونتاژ وارد کردیم، بر جایگزینی صادرات تأکید و صنایع داخلی را تشویق و حمایت کردیم، دولت‌گرایی کردیم، سپس به خصوصی‌سازی روی آوردیم، در قیمت‌ها مداخله کردیم، سهمیه‌بندی کردیم، بارانه دادیم و سپس دست به آزادسازی گسترده زدیم. صادرات را تشویق کردیم، واردات را محدود کردیم و باز به‌سوی اقتصاد باز حرکت کردیم، اما هرچه کردیم چیزی عوض نشد و فقط منابع ما بیشترویشت‌تر تخریب و تبخیر شد.

ما کجای کار خطا کرده‌ایم؟ نمی‌دانیم مقصر اصلی چه کسی یا چه گروهی یا چه نهادی بوده است، اما هرچه بوده، نتیجه این شده که ما انسان‌های توانمندی که بتوانند فرایند توسعه را در این کشور به پیش ببرند پرورش ندهادیم. در تمام این سال‌ها ما با کمبود جدی نیروی انسانی توانمند روبه‌رو بوده‌ایم؛ حتی وقتی که بالاترین نرخ پذیرش دانشجو را در جهان داشته‌ایم، ما فکر کردیم اگر تعداد انبوهی دانشگاه داشته باشیم، مشکل نیروی انسانی ما حل می‌شود، پس دست به تکثیر بی‌ریه دانشگاه‌هایمان زدیم. همان‌گونه که ۷۰ سال پیش نظام آموزشی مدرن را به صورت انبوه همه‌جا مستقر کردیم و گمان می‌کردیم همین‌که بچه‌ها از مکتب‌خانه‌ها بیرون بیایند و پشت نیمکت بشینند و کتاب واحد داشته باشند برای پرورش انسان مدرن و توانمند برای تحقق توسعه‌کافی است، امروز نیز همچنان مدارسمان را داریم به همان شیوه اداره می‌کنیم. در تمام این مدت خطای ما این بود که بر توسعه حافظه بچه‌هایمان متمرکز شدیم، نه بر توسعه شخصیت آنها. ۷۰ سال یک نظام آموزشی حافظه‌محور را به صورت مکانیکی توسعه دادیم درحالی‌که انسان‌های توانمند و آفرینشگر توسعه وقتی تربیت می‌شوند که ما یک نظام آموزشی رابطه‌محور را مستقر کنیم. در این دوره ما دست به تولید انبوه انسان‌هایی با توانایی‌های علمی سطح‌بالا، اما با توانایی‌های اجتماعی و ارتباطی بسیار سطح‌پایین زدیم.

ما این نظام آموزشی را مثل همه چیزهای دیگرمان از غرب گرفتیم و اینجا مونتاژ کردیم. گرچه غرب دو دهه است که به خطای خود در این زمینه پی برده و دست‌به‌کار تحول نظام آموزشی کودکان خود شده است، اما البته همین نظام آموزشی حافظه‌محور در غرب جواب داده بود. چراکه پیش از آن با دو قرن تحول و نهضت فکری در غرب، نظام فکری و رفتاری خانواده غربی درگه‌ون شده و زمینه‌های لازم برای پرورش کودکان دارای توانایی‌های ارتباطی قوی و شخصیت‌های قوام‌یافته در خانواده به‌وجود آمده بود. بنابراین گرچه

جامعه



عکس، جامعی

زبانِ مادری و توسعه در ایران

محسن رناتی

مدرسه، آموزش محور و حافظه‌محور بود اما این مسئله موجب تخریب شخصیت کودکان آنها نشد. ما نیز همان راه را رفتیم اما یادمان رفت که در ایران، خانواده ۲۰۰ سال تحول فکری پشت سر خود ندارد؛ بنابراین بذر اولیه توانایی‌های توسعه‌آفرین را در ذهن و زبان کودکان نمی‌گارد. پس به خانواده امیدوی نیست و هر کاری باید می‌کردیم در مدرسه بود؛ اما متأسفانه دبستان‌ها می نیز به کارخانه‌هایی برای تولید مکانیکی افراد باسواد و دارای حافظه‌ها و قوای ذهنی قوی تبدیل شدند. آنچه در این میان برای ۷۰ سال مغفول ماند، شخصیت کودکانی بود که انتظار داشتیم در بزرگسالی توانایی داشته باشند که توسعه بیافرینند درحالی‌که در کودکی این توانایی‌ها را به آنها نداده بودیم.

اما این تنها خطای بزرگ ما نبود. ما خطای دیگری نیز مرکب شدیم و آن حذف نیمی از جمعیت کشورمان از حضور فعال و بهنگام در فرایند توسعه بود. براساس یک سیاست کاملاً خطا، هیچ آمار رسمی‌ای از سهم جمعیت اقوام و زبان‌ها در کشور ما جمع‌آوری و منتشر نمی‌شود. اما براساس برآوردهای مختلف، جمعیت اقوام ایرانی غیرفارسی‌زبان در کشور ما بین ۴۲ تا ۴۹ درصد جمعیت کشور را

تشکیل می‌دهد. ما در ۷۰ سال گذشته فرزندان نزدیک به نیمی از جمعیت کشور، یعنی اقوام غیرفارسی‌زبان کشورمان را وادار کرده‌ایم که از سال اول دبستان زبان فارسی بیاموزند و به زبان فارسی آموزش ببینند. فاز صفر توسعه در هر کشوری در دوران کودکی، در دبستان و پیش‌دبستان شکل می‌گیرد. هرچه ما برای آینده کشورمان می‌خواهیم، باید بذر آن را در این سننین بکاریم. ما با این روش آموزش زبان فارسی به کودکانی که زبان مادری‌شان فارسی نیست، آنان را با یک توانایی‌های علمی سطح‌بالا، اما با توانایی‌های عمر در فرایند اجتماعی شدنشان روبه‌رو می‌کنیم. درصد بالای مردودی دانش‌آموزان پایه یک و دو دبستان در استان‌های دوزبانه، مؤید چنین مشکلی است. کودکان ایرانی غیرفارسی‌زبان وقتی سرانجام با زبان فارسی کنار می‌آیند و آن را یاد می‌گیرند که سننین کودکی را از دست داده‌اند. سننیتی که سرنوشت‌سازترین دوره برای یادگیری و تمرین ویژگی‌هایی است که بعداً موردنیاز است.

ما توجه نکردیم که زبان مادری، تنها زبان سخن‌گفتن نیست؛ بلکه عاطفه، احساس و زبان زندگی فرد است.

در واقع ما با این روش آموزش زبان فارسی، فرایند تکامل ذهنی و شخصیتی نزدیک به نیمی از جمعیت کشور خود را برای چند سال گسند یا متوقف و فرصت‌های آنان را محدود می‌کنیم و به این ترتیب فرصت‌های عمومی حضور در فرایند توسعه در استان‌هایی را که جمعیت آنها غیرفارسی‌زبان است فرو می‌کاهیم. شاید بخشی از شکاف و بی‌توانی توسعه که میان استان‌های مرکزی و استان‌های مرزی کشور وجود دارد، ناشی از همین مسئله باشد؛ یعنی با وجود آن که در گذشته بودجه‌های مناسبی برای توسعه برخی استان‌های محروم اختصاص یافته است؛ اما آن استان‌ها همچنان محروم مانده‌اند. در واقع ممکن است ما آموزش زبان فارسی به کودکان استان‌های دوزبانه، یک وقفه چندساله در فرایند شکل‌گیری شخصیت و توانایی کودکان این مناطق ایجاد می‌کنیم و همین آغازی بر توزیع نامعادلانه فرصت‌ها بین منابع باشد. علاوه بر همه رفتارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دیگر، این شکل از روش آموزشی نیز یک نقصان است که ما در ۷۰ سال گذشته، انجام داده‌ایم.

زبان مادری مثل معماری بومی است. آیا روستا که ما همه خانه‌های روستایی یا ساختمان‌های بومی مناطق مختلف و شهرهای تاریخی کشور را تخریب داده است که در گروه‌های جمعیتی، دوزبانه‌ها اگر زبان مادری را خوب یاد گرفته باشند، مغز آنان در پردازش اطلاعات هیجانی و حوزه دریافت معنایی توانایی بیشتری دارد. در واقع ما با آموزش ندادن زبان مادری و آموزش زبان فارسی به کودکانی که زبان مادری آنها فارسی نیست، در همان سنننین کودکی، تکامل زبان درونی و زبان تفکر آنان را متوقف می‌کنیم و آنان را تحمل فشارهای روانی و روحی زیادی و با چند سال تأخیر، سرانجام می‌توانند به زبان جدید تفکر کنند و سخن بگویند؛ اما آنچه دراین‌میان از دست رفته است، فرصت‌های

تکامل ابعاد پرورشی و وجودی آنهاست که توانایی‌های ارتباطی و توسعه‌آفرینانه آنها را شکل می‌دهد. نکته مهم این است که زبان یک پدیده با سامانه کاتالیک است؛ یعنی پدیده‌ای است که به طور طبیعی و بدون مداخله آگاهانه بشر ساخته شده و تکامل یافته و به نظمی خودانگیزخته رسیده است. در پدیده‌های کاتالیک، ما اول استفاده و کاربرد آنها را

می‌آموزیم. بعد آنها را تحلیل و اجزای آنها را شناسایی می‌کنیم. اگر زبان یک پدیده کاتالیک است؛ پس نخست باید از آن استفاده کنیم و ظرفیت استفاده از آن را به حداکثر برسانیم و بعد سراغ یادگیری و تحلیل آن برویم. وقتی ما کودک را از فضای زبان مادری خارج و وارد آموزش زبان فارسی می‌کنیم، او هنوز در فرایند یادگیری کاتالیک زبان مادری به نقطه شکوفایی، یعنی نقطه حداکثری قدرت تکلم و ادراک نرسیده است؛ یعنی آن بخش از احساسات و عواطفی که باید به کمک زبان مادری به طور کامل تکامل یابد، کامل شکل نمی‌گیرد؛ بنابراین عملاً روند رشد قدرت تکلم به زبان مادری در کودک، در جایی متوقف می‌شود و بنابراین زسان درونی کودک که همان زبان تفکر او نیز هست، به حداکثر ظرفیت خود نمی‌رسد. سپس این کودک باید برای سال‌ها با تحمل مشقت فراوان نخست زبان فارسی را بیاموزد و بعد توانایی تفکر در زبان فارسی را در خود تقویت کند. این همان رفتاری است که ما ۷۰ سال است با کودکان اقوام ایرانی غیرفارسی‌زبان می‌کنیم و آنان را در رقابت کسب فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی با فارسی‌زبانان در موقعیت نایراب قرار می‌دهیم.

نگاه

«اقلیم، ریزگرد، طبیعت»

محمدحسین شیخ‌محمدی
پژوهشگر حوزه محیط زیست

● **اول:** تغییر اقلیم یکی از مهم‌ترین چالش‌های اساسی قرن حاضر است که باعث نگرانی کارشناسان و مسئولان در سراسر جهان شده است. اقلیم با سرعتی بی‌سابقه در حال تغییر است و آن را می‌توان معلول حوادثی مانند توسعه ناپایدار، مصرف بی‌رویه سوخت‌های فسیلی و افزایش تولید گازهای گلخانه‌ای دانست که عامل اصلی بسیاری از ناسامانی‌ها و بی‌نظمی‌های محیط زیست مانند کاهش منابع و ذخایر آبی، افزایش‌ها و کاهش‌های شدید دما، بالاآمدن آب اقیانوس‌ها و… محسوب می‌شود. از شواهد امر پیداست که سایه شوم بزرگ‌ترین فاجعه زیست‌محیطی قرار نیست از سر ساکنان کشورهای خاورمیانه برداشته شود. گسترش چشمگیر افزایش ریزگردها و آلودگی هوا در سال‌های اخیر گواهی بر این مدعاست. اقلیم در کشورهای خاورمیانه به دلیل

مدیریت ناپایدار و بی‌ثبات با سرعتی شگرف در حال تغییر است و نگرانی از تبعات زبان‌بهار تغییر اقلیم مانند گسترش بحران‌های زیست‌محیطی، کاهش امنیت غذایی، افزایش مخاطرات طبیعی، افزایش تنش‌های اجتماعی و… بیش از سال قبل می‌شود. **دوم:** در قرن اخیر یکی از اساسی‌ترین حقوق حیاتی بشری، حق استفاده از یک محیط زیست پاک و مطلوب برای هر شهروند است. براساس اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هر شهروند حق دارد از یک محیط زیست پاک برخوردار باشد. حراست، حفاظت و پاک‌سازی محیط زیست وظیفه عمومی تلقی می‌شود و رعایت این حق هم تکلیفی برای همه ایجاد می‌کند. پدیده ریزگردها بدون‌تردید یکی از چالش‌های حاصل از تخریب محیط زیست است که این روزها آسمان بخش بزرگی از کشور را در بر گرفته است و یکی از دلایل عمده تشدید آن بی‌توجهی انسان به توسعه پایدار است. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «مسئله محیط زیست یا حفظ منابع طبیعی، برای ما مسئله‌ای تجمّلاتی و درجده‌و نیست؛ بلکه یک مسئله حیاتی است که در تلاش ما برای توسعه کشور، اولویت باید در این بخش باشد». اگر روزگاری تنها شهرهای کویری و در حاشیه بودند که با پدیده ریزگردها روبه‌رو بودند، امروز آسمان تمام ایران، تحت تأثیر پدیده مخرب ریزگرد قرار گرفته است و غیر از مشکلات اجتماعی و اقتصادی فراوان، سلامتی مردم و آرامش مردم را نیز به مخاطره افکنده است.

سوم: اگر بخواهیم کانون‌های ریزگرد آسمان ایران را دسته‌بندی کنیم، می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم‌بندی کرد: داخلی و خارجی. منشا داخلی، شامل زمین‌های کشاورزی مناطق خشک، رودخانه‌های فصلی، تالاب‌ها و باتلاق‌های خشکیده، مراتع آسیب‌پذیر به لحاظ پوشش گیاهی و فعالیت‌های گسترده خاک‌برداری و جاده‌سازی است. تالاب‌های نابودشده بین‌النهرین، ازبین‌رقتن پوشش گیاهی در کشورهای همسایه، بیابان‌های عراق و سوریه، بیابان کبی - تاکلی مکان در آسیای مرکزی، صحرای بزرگ آفریقا و عربستان منشأ ریزگردهای برون‌مرزی ما به شمار می‌آیند. این مسئولیت دستگاه‌های دولتی است که با روش‌های علمی کانون‌های اصلی ریزگرد آسمان ایران را شناسایی کنند.

چهارم: دلایل اصلی ریزگردها شامل تغییر اقلیم، خشک‌شدن مجموعه تالاب‌های بین‌النهرین به دلیل ساخت سدهای بزرگ روی دجله و فرات، خشک‌سالی و کاهش آب رودخانه‌ها، کاهش بارندگی و نبود پوشش گیاهی مناسب است.

ادامه در صفحه ۱۷

۸	۲	۴	۳	۱	۵
۱	۷	۶	۸	۳	۹
۵	۷	۱	۶	۸	۳
۲	۴	۶	۸	۱	۵
۹	۶	۲	۴	۱	۵
۶	۸	۱	۶	۳	۹
۵	۳	۲	۴	۱	۵
۳	۲	۴	۶	۸	۱
۱	۷	۶	۸	۳	۹
۵	۳	۲	۴	۱	۵

۸	۲	۴	۷	۵	۳	۱	۶
۳	۱	۶	۸	۳	۹	۷	۵
۱	۹	۷	۳	۲	۴	۶	۸
۶	۸	۱	۶	۳	۹	۷	۵
۴	۸	۱	۶	۳	۹	۷	۵
۶	۳	۲	۴	۱	۵	۳	۹
۷	۵	۳	۱	۶	۸	۳	۹
۶	۳	۲	۴	۱	۵	۳	۹
۷	۵	۳	۱	۶	۸	۳	۹
۶	۳	۲	۴	۱	۵	۳	۹

سودوکو سخت ۱۷۱۶

حل سودوکو سخت

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. پدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

حل سودوکو سخت

سودوکو سخت ۱۷۱۵

حل سودوکو سخت

سودوکو سخت ۱۷۱۴

جدول ۲۷۱۸

جدول ۲۷۱۶

جدول ۲۷۱۸

جدول ۲۷۱۶

جدول ۲۷۱۸

جدول ۲۷۱۶

جدول ۲۷۱۸

جدول ۲۷۱۶

جدول ۲۷۱۸

جدول ۲۷۱۶

جدول ۲۷۱۸

جدول ۲۷۱۶

جدول ۲۷۱۸

جدول ۲۷۱۶

جدول ۲۷۱۸

حل سودوکو سخت

۹	۷	۱	۶	۴	۸	۳	۵	۲
۴	۶	۲	۷	۵	۸	۱	۹	۳
۸	۵	۳	۲	۱	۶	۷	۴	۹
۲	۳	۷	۸	۵	۹	۱	۴	۶
۵	۱	۴	۳	۶	۷	۲	۸	۹
۶	۹	۸	۱	۲	۴	۷	۳	۵
۱	۸	۹	۴	۷	۲	۵	۶	۳
۳	۴	۵	۱	۶	۲	۸	۷	۹
۷	۲	۶	۵	۸	۳	۴	۱	۹
۹	۸	۳	۶	۱	۲	۷	۵	۴

۸	۷	۴	۵	۲	۳	۱	۶
۱	۵	۶	۴	۹	۸	۲	۳
۶	۳	۷	۱	۶	۸	۵	۴
۹	۸	۲	۱	۲	۵	۴	۹
۳	۱	۶	۵	۴	۷	۲	۸
۲	۴	۵	۷	۸	۹	۱	۶
۷	۴	۱	۶	۳	۵	۸	۲
۵	۲	۳	۸	۴	۷	۹	۱
۴	۹	۸	۲	۶	۱	۳	۷
۵	۲	۳	۸	۴	۷	۹	۱

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	